

# نظام سازی سیاسی بر اساس تأمین مشروعیت دینی از منظر سید لاری (قدس سره)

ذبیح الله نعیمیان

منبع: مجله آموزه شماره 3

## اشاره

مرحوم سید عبدالحسین لاری در کسوت مجتهد نافذالکلمه ای که در عصر مشروطه و پس از آن، دارای فعالیت های مهم سیاسی - نظامی است، از نگارش رساله های سیاسی - دینی، غفلت نکرد. وی در این اندیشه ورزی سیاسی، با تکیه بر اصل فراگیر و بنیادین «لزوم ایفای مسؤولیت دینی»، به دنبال طرح راهبردهایی بود که «تأمین مشروعیت دینی» - به عنوان بنیاد گفتمان سیاسی شیعه - را از دو جهت «تصرف ها و تصدی ها» و «قانون نگاری»، عینیت بخشد. نوشتار حاضر به بررسی این راهبردها با محوریت «حکومت دولت شریعت و حذف دولت سلطنت» می پردازد.

## مقدمه

### أ. دو ساحت در تأملات سیاسی دینی

برای فهم فضای حاکم بر «اندیشه‌ورزی سیاسی دینی» باید به بررسی نوع تأملاتی بپردازیم که به طور منطقی مطرح می شوند. می توان گفت: اندیشه‌ورزی سیاسی دینی در دو ساحت و مرحله مطرح می شود: در يك ساحت و مرحله، اندیشه‌ورزی سیاسی به فهم مؤلفه های مربوط به «اندیشه سیاسی دینی» می پردازد و در ساحت و مرحله دیگر، اندیشه ها و مؤلفه های معطوف به «نظام سازی و تصمیم سازی سیاسی» را می کاود و در واقع ساحت و نگاه نخست، خاستگاه جهت دهنده تأملات مرحله دوم است.

با این تفکیک بر آن هستیم تا میان اصول ارزشی که ترسیم کننده حکومت آرمانی اسلامید و اصول ویژه ی که مقتضی پیوند اندیشه با عمل سازگار با وضع حاکم است، تفاوت نهیم. اصول و مؤلفه های بنیادین در ساحت «نظام سازی و تصمیم سازی» اموری اند که اندیشه‌ورزی فلسفه سیاسی، در جهت عملی ساختن اصول بنیادین مورد نظر خود به کار می گیرد و ممکن است هر يك از آن ها در بستر زمانی خاصی طرح شوند و در وضع زمانی دیگر، تغییر یابند؛ اما در هر زمان، نزدیک ترین شکل ممکن به ارزش های اسلامی باید مورد عمل قرار گیرد.

به هر حال، در ساحت «اندیشه سیاسی دینی»، دو مؤلفه و اصل بنیادین در اندیشه های عالمان دینی می بینیم که فروع آن در مقام عمل سیاسی و تأمل معطوف به «نظام سازی و تصمیم سازی سیاسی» به صورت های گوناگون تجلی یافته اند. این دو مؤلفه عبارتند از: اصل «لزوم تأمین مشروعیت الهی» و اصل «لزوم ایفای مسؤولیت». دامنه بحث حاضر، به مسأله اصل «لزوم تأمین مشروعیت» در ندیشه مرحوم سید عبدالحسین لاری (1342-1264ق) محدود می شود.

### ب. رهیافت ها در مبنای تأمین مشروعیت

در ابتدا لازم است واژه مشروعیت را که از مفاهیم کلیدی پژوهش حاضر است، به اختصار توضیح دهیم. واژه Legitimacy (مشروعیت) در متون انگلیسی، از ریشه لاتین به معنای قانون گرفته شده است.<sup>1</sup> بر این اساس، گاه گفته می شود مشروعیت در علم سیاست به معنای قانونی بودن یا طبق قانون بودن

است و در گذشته در اروپای سده میانه نیز به همین معنا په کار می رفت؛ چنان که سیپرو، این واژه را برای بیان قانونی بودن قدرت په کار برد. بعدها واژه مشروعیت در اشاره به روش های سنتی، اصول قانون اساسی و انطباق با سنتها به کار برده شد. پس از آن هم مرحله ای فرا رسید که عنصر رضایت به معنای آن افزوده، و رضایت، پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد.<sup>2</sup>

ر اساس برخی دیدگاه ها در فضای امروزین، حکومتی مشروع دانسته می شود که از طریق قانونی (طبق قانون هر نظام) به قدرت رسیده و یا به شکلی از ملت کسب قدرت کرده باشد و ادامه حکومتش مورد تأیید قرار گیرد.<sup>3</sup>

در دیدگاه اصیل اسلامی، به ویژه در اندیشه شیعی، خداوند، یگانه منبع ذاتی مشروعیت سیاسی (در دو قلمرو تصدی و قانون گذاری) است و هر مشروعیت بالعرضی می باید از این منبع مشروعیت بالذات، کسب مشروعیت کند و گرنه فاقد حقانیت، اعتبار، مشروعیت و قانونیت است.

از سوی دیگر، تأملی در گرایش های گوناگون برای ارائه مبانی مختلف ممکن است باعث این مغالطه شود که معنای مشروعیت، در عرف فلسفه سیاسی بر اساس هر يك از این مبانی تغییر خواهد یافت؛ به ویژه که بسیاری از تعریف ها از مشروعیت، این مغالطه را دامن می زنند؛

چنان که گاه مشروعیت را با رأی اکثریت به يك معنا گرفته اند. روشن است که اگر چنین بود، دیگر به هیچ وجه قابل بحث نبود که آیا حکومت، مشروعیتش را با رأی اکثریت به دست می آورد یا نه؟ این يك معادله مفهومی، حمل اولی یا قضیه ای توتولوژیک بود که «حکومت اکثریت، مشروع است» یا «حکومت، طبق قرارداد اجتماعی، مشروع است».

فقط در يك صورت می توانیم از این مغالطه بیرون رویم. ه آن این است که توجه کنیم واقعیت مشروعیت چه چیزی است؟ تأمل دقیق نشان می دهد که واقعیت مسأله مشروعیت، عبارت از مسأله حق است؛ یعنی چه حکومت و چه اشخاصی حق حکم راندن دارند. چه چیزی تعیین کننده قدرت مشروع یا جانشینی مشروع در صندلی قدرت است؟ البته این مسأله نباید با مسأله «چرا شهروندان باید از حکومتی پیروی کنند»، یکی دانسته شود. ممکن است یکی بودن مسأله مشروعیت با مسأله حق، بی دلیل شمرده شود؛ ولی چنین تردیدی مانع از آن نخواهد بود که مسأله حق از مباحث فلسفه سیاسی تارچ شود و آن گاه در این فرض باید پاسخ داد که اگر مسأله مشروعیت، مسأله حق نیست، پس چه مسأله دیگری مسأله مشروعیت خواهد بود؟ خلاصه آن که مقصود از مشروعیت، حق حکم راندن است؛ ولی پاسخ این پرسش بر اساس مبانی گوناگون تفاوت می یابد؛ هر چند در واقع فقط يك پاسخ درست است.<sup>4</sup>

## 1. اصل «لزوم تأمین مشروعیت دینی» در ساحت «اندیشه سیاسی»

مرحوم سید عبدالحسین لاری در مرحله و ساحت «اندیشه سیاسی دینی»، از يك سو دغدغه تأمین اصل «لزوم تأمین مشروعیت دینی» را دارد و از سوی دیگر، به دنبال آن است که دریابد در مقام عمل چه میزان از مشروعیت می تواند تأمین شود.

ی بر اساس آموزه های شیعی، عمیقاً بر این باور است که تصرف های حکومتی، به اذن مستقیم یا با واسطه الهی نیازمند است و بدون «تأمین مشروعیت دینی» تمام تصرف های سلاطین و عمال آن ها غاصبانه خواهد بود. او این امر را از زوایا و بیان های گوناگون پی می گیرد.

### أ. باور شیعه به امامت منصوب الهی

اساس باور وی بر ضرورت پابندی به اصل «لزوم تأمین مشروعیت دینی»، به باور مذهب شیعه به

جایگاه انتصابی امامت بستگی دارد؛ مری که شیعه را طی سده های متمادی، از اهل سنت و جماعت متفاوت کرده و نمایانده است:

مامت، ریاستی است عامّه در امور دین و دنیا به طریق خلافت از پیغمبر... و فرقی نیست میان پیغمبر و امام در مرتبه و رتبه و منزلت. بلی تفاوت و فرق ایشان در ترتیب و ترتب و شرافت است، نه رتبه و مرتبه و منزلت. مذهب شیعه آن است که بر خدا لازم است نصب امام؛ هم چنان که لازم است، نصب نبی<sup>5</sup>.

از نظر وی، لزوم مشروعیت یابی دینی، در غیبت نیز امری بایسته و رجوع به «نواب عام» امری ضروری است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### ب. نیابت انحصاری فقیه در «سلطنت و ولایت»

ولایت فقیه در اندیشه شیعه، استمرار طبیعی ولایت الهی است و مرحوم لاری نیز بر این اساس به اندیشه‌پورزی می پردازد و بر مبنای این باور ارتکازی شیعیان، به نهاد حکومت و سیاست می نگرد که صدی غیر فقیه جامع الشرایط و دست کم بی اذن ایشان نامشروع است.

از سوی دیگر، مرحوم لاری ولایت فقیه را در سطحی بسیار گسترده قائل بوده و این مطلب را در تعلیقات خود بر مکاسب به طور مشروح و مستدل بحث کرده و همه شؤون اجتماعی - سیاسی ولایت امامان معصوم را برای فقیه جامع الشرائط قائل بوده است<sup>6</sup>؛ چنان که ذیل بحث از روایات مربوط به ولایت فقیه می فرماید:

**تبیین مآ ذکرنا قیام الفقیه مقام الامام فی کلّ ما له من السلطنة والولاية عموماً الا ما خرج بالدلیل ... كالخصائص**; از آن چه ذکر کردیم، روشن شد که فقیه عموماً در تمام مواردی که امام(علیه السلام) سلطنت و ولایت دارد، قائم مقام ایشان است، جز آن چه با دلیل خارج شده است ... مانند امور اختصاصی امام.<sup>7</sup>

رحوم سید عبدالحسین لاری به گونه ای جدّی و گسترده این باور را می پروراند که اختیارات نواب عام در حد اختیارات امامان معصوم(علیهم السلام) است و از سوی دیگر، تعبیر «سلطنت»، «ولایت» و «خلافت» را در این جهت به صورت تعابیری مترادف به کار می گیرد. وی ضمن بحث از اثبات ولایت فقیه و مسدّدك به روایات مربوط، کیفیت اثبات و ترسیم ولایت پیامبر(صلی الله علیه وآله)، امامان معصوم(علیهم السلام) و سرانجام ولایت فقیه را چنین تبیین می کند:

از آن جهت که خداوند، قدرت و سلطنت دارد می توان ولایت پیامبر(صلی الله علیه وآله) را اثبات کرد و فرقی بین ولایت و سلطنت خدا و پیامبر نیست، مگر آن که سلطنت خدا استقلالی و بالاصاله است؛ اما سلطنت پیامبر بالتبع و استقبالی از سوی خدا است. همچنین منصب امامان(علیهم السلام) در خلافت و ولایت مطلقه، همانند پیامبر در تمامی شؤون سلطنت و ولایت است و فرقی هم بین ولایت و سلطنت پیامبر و ائمه نیست، مگر آن که سلطنت پیامبر بدون واسطه است؛ ولی سلطنت امام با واسطه پیامبر است. همچنین منصب فقیه در خلافت و ولایت مطلقه همانند امامان است در تمامی موارد سلطنت و ولایت، و فرقی بین سلطنت فقیه و امام نیست، مگر این که اولی با يك واسطه است و فقیه با دو واسطه؛ از این رو منصبی که پیامبر و ائمه فقها دارند، يك منصب مطلقه عام است...<sup>8</sup>.

وی ریشه این باور شیعه را تصریح بر جانشینی ایشان از سوی امامان معصوم(علیهم السلام) می داند:

بنابراین، هیچ اجمال و اشکالی نیست در این که سلطنت مطلقه ای که برای امامان از جانب پیامبر(صلی الله علیه وآله) با نص آن حضرت بر جانشینی آنان ثابت است، همان سلطنت برای فقیه از سوی امامان(علیهم السلام) با تصریح آنان بر جانشینی فقها از سوی آنان ثابت است.<sup>9</sup>

باور شیعه به لزوم «تأمین مشروعیت الهی»، چنان رنگی ارتكازی دارد<sup>10</sup> که در نقل قول مرحوم لاری از میرزای شیرازی نیز به شکلی بسیار عادی، و در چاره اندیشی برای مشکلات اقتصادی جامعه عصر قاجار انعکاس یافته است.

مرحوم لاری، ضمن پاسخ به پرسشی مربوط به «استعمال مطعومات و مشروبات و ملبوسات و مصنوعات مجلوبه از بلاد خارجه»، افزون بر پاسخ خود، به پاسخ مطبوع مرحوم میرزای شیرازی نیز ستناد می کند که در خلال آن تصریح شده که امور عامه بر عهده فقیهان است<sup>11</sup>:

لبتّه ملت کنایه از نوّاب عام آن چه بر او و شایسته از او است، خواهد کرد و چگونه نکند و حال آن که بود را از جانب ولی عصر - عجل الله فرجه - منصوب بر این امر عامه و حافظ دین و دنیای رعایای آن جناب و مسؤول از حال ایشان می داند و ... آن چه در این مقام مورد این تکلیف است، غیر از احکام کلیه است که وظیفه عالم است لاغیر، و غیر از موضوعات شخصیّه ... که عالم و عامی و مجتهد و مقلد در آن یکسانند که هر یکی از مکلفین اگر علمی یا طریقی دارد، به آن عمل می کند<sup>12</sup>.

کنه جالب توجهی در بیان او وجود دارد که وظیفه ولایت در امور عامه را با صراحت غیر از شأن فتوا در «احکام کلیه» و غیر از صادر کردن حکم در «موضوعات شخصیّه» معرفی می کند و روشن است که مرحوم لاری نیز این بیان مرحوم میرزای شیرازی را به صورت مطلب مورد پذیرش خود نقل کرده است.

چنان که روشن شد، مقصود مرحوم سید عبدالحسین لاری از «ولایت مطلقه فقیه»، گسترده‌گی تئوریک و دامنه حقّ تصرف فقیه در امور حکومتی و مدیریتی جامعه است و این وظایف فقیه از نظر او در دو حوزه قرار دارد:

1. تمام مسؤولیت های حکومتی پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امامان(علیهم السلام) مگر امور خاصّی که با نص خارج شده است.

2. تمام وظایفی که متصدّی خاصّی ندارد، حقّ تصرف در آن ها مختص فقیه است.<sup>13</sup>

بر این اساس، مرحوم لاری بر این اعتقاد است که نوّاب عام در عصر غیبت، نیابت عامه در اداره حکومت دارند.

### ج. شناسایی دولت و ناسودمندی خواست مردم

قسمت پیشین روشن شد که حقّ حاکمیت از آن فقیه جامع الشّرایط است. حال این پرسش پیش روی ما است که آیا خواست مردم در شناسایی دولتی که متصدّی آن فقیه نیست، تأثیری دارد و می تواند لباس مشروعیت بر قامت چنین دولتی بپوشاند.

مرحوم لاری، تأثیر داشتن خواست مردم در مشروعیت را باور اهل تسنّن می داند و بر این اساس، جایی برای مشروعیت دهی مردم به حاکمان (چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت امام) نمی بیند:

مذهب سنّیان آن است که بر خدا لازم نیست نصب امام؛ بلکه بر رعیت لازم است نصب امام و تعیین خلیفه؛ پس هر کس که رعیت نصب کنند، او امام و حجّت خدا بر خلق خواهد بود در نزد ایشان.<sup>14</sup>

مرحوم لاری، به کیفیت و شرط مشروعیت یابی فعالیت اجتماعی سیاسی مؤمنان در جامعه اسلامی نیز می پردازد و نقش اذن فقیه را در این امر برجسته می داند:

اکم شرع، حقّ بر تمام انام دارد و مقدّم و نافذالحکم است و کسی را حقّ مخالفت و معارضه در آن

ست شرعاً، و اما وظیفه عدول مؤمنین و سایر مسلمین در کلیه امور حسبیّه در صورت اذن و رخصت، با عدم حضور حاکم شرع است به این معنا که در طول حاکم هستند نه در عرض.<sup>15</sup>

ز سوی دیگر، لزوم رجوع همه آحاد مردم و در تمام امور به نواب عام، امری است که مرحوم لاری به آن عمیقاً اعتقاد داشته و در شکل های گوناگونی در صدد اجرای آن است و طبیعی است که همین نکته بنای عدم مشروعیت حکومت ها، سلاطین، حاکمان و عوامل آن ها، در دو بعد تصرف و قانون گذاری خواهد بود:

**ن ظاهر الاخبار و الاعتبار ارجاعهم العوام الی نوابه العام فی کلّ حلال و حرام و استیذان و استعلام كما علیه سیره الروات فی الاجازة الاستجارة فی الروایات. فان من جد وجد «ولیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری»<sup>16</sup>، «والذین جاهدوا فینا لنهذینهم سبلنا»<sup>17</sup>، «و ان الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون»<sup>18</sup> و ضابط کلی و جامع علمی و عملی شرایط ملّی و فقد موانع فعلی قوله فی تفسیر العسکری: «فاما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه (ای: من المعاصی) حافظاً لدينه (ای: من التّغییر و التّبدیل) مخالفاً لهواه مطیعاً لأمر مولاه فللعوام أن یقلدوه، ذلك لا یكون إلا بعض فقهاء الشیعة لا جمیعهم، الحدیث»<sup>19</sup>;**

بنابراین، بر اساس این پاور شیعی، خواست مردم هنگامی می تواند لباس مشروعیت پوشد که بر اذن عام یا نواب عام امام متکی باشد؛ اما خواست مردم نمی تواند به صورتی اصیل و تمام العله یا حتی جزء العله مشروعیت آفرین باشد و فقط می تواند به صورت شرط عملی و نه نظری برای برقراری ناکمیت الهی نقش آفرینی کند و بر این اساس می تواند با ایجاد مقبولیت اجتماعی، سطح مسؤولیت فقیهان را ارتقا و درجات عالی آن را عینیت بخشد؛ اما تصور حق حاکمیت استقلالی مردم و تفویض آن به فرد یا افراد خاص، یگانه باوری است که با مبانی اندیشه های اهل تسنن سازگاری دارد؛ امری که ریشه اختلاف شیعه با آنان است.

## 2. «تأمین مشروعیت دینی»؛ بنیاد «نظام سازی سیاسی»

### أ. اصل «تصحیح مشروعیت تصرف»

مرحوم لاری در جهت عمل به اصل «لزوم تأمین مشروعیت دینی» - که سخت آن را باور دارد و بر اساس آن، ضد همکاری با دستگاه غاصب و ستم پیشه حاکم، به طور گسترده بحث کرده، و به شدت موضع گرفته است - پیه دنبال پرپایی حکومت اسلامی است. در این جهت وی به دنبال «تصحیح فعال مشروعیت تصرف و تصدی» است.

مؤلفه تأثیرگذاری که در مرحله «نظام سازی و تصمیم سازی سیاسی» زیر بنای نظریّه پردازي مرحوم لاری شمرده می شود، این است که بر اساس وضع حاکم بر زمان و مکان، چه ساختاری قابلیت اجرا دارد و تا چه اندازه می تواند لوازم اصول حاکم بر «اندیشه سیاسی دینی» و از جمله فروع اصل «لزوم تأمین مشروعیت» را عینیت بخشد. بر این اساس، سید لاری راهبردهای عملی گوناگونی را در این زمینه ارائه می دهد که به طور عمده رهیافت های درجه دوم هستند.

1. اصلی ترین راهبرد نظری و عملی مورد پذیرش وی - که بر خلاف کسی چون شیخ فضل الله به آن نیز پرداخته است - راهبرد «حکومت دولت شریعت و حذف دولت سلطنت» است و مراد از آن تصدی فائده امور مملکتی به وسیله فقیهان و کنار گذاشتن نظام سلطنت می باشد؛ اما او تحقق عمیق و گسترده آن را در زمان خویش عملی نمی دیده است، ولی گذشته از عنوان رساله قانون مشروطه مشروعه<sup>20</sup> چندین بار تعبیر «مشروطه مشروعه» را برای نظام مورد نظر خود به کار می گیرد.<sup>21</sup>

ناگفته نماند که این رهیافت می تواند به صورت های گوناگونی طرح شود؛ چنان که می تواند با نظام

پارلمانی یا ریاستی ترکیب شود. در نظام جمهوری اسلامی، ریاست فائقه فقیه به عناصر سه گانه ای تعلق گرفته است که در جایگاه قوای سه گانه مطرح هستند و این قوای سه گانه، نخست به صورت نظام نیمه ریاستی و پس از مدتی به صورت نظام ریاستی (نه پارلمانی) پیش بینی شدند؛ همان گونه که مجمع تشخیص مصلحت نیز بازوی رسمی برای ارائه میثورت به ولی فقیه است. بر این اساس، قرچند در رأس هرم قدرت در جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه قرار دارد، در مراتب میانی ساختار خود با برخی نظام های دیگر ترکیب شده است؛ حال آن که سید لاری، ریاست فائقه و ولایت مطلقه فقیه را برای مجلسی مشورتی در نظر گرفته است؛ ولی به این صورت که سایر اجزای ساختار حکومت تحت فرمان وی هستند و نظام ولی فقیه را به صورتی بسیط طراحی کرده است. تفصیل دیدگاه لاری را در مباحث بعدی ارائه خواهیم داد.

2. راهبرد بعدی وی که می توان آن را راهبرد «حکومت دولت شریعت بر دولت سلطنت» نامید، حالتی درجه دوم دارد و ویژه وضعی است که ریاست فائقه فقیه نمی تواند عملی شود. طرح این رهیافت، در آثار نوشتاری او چندان جایی ندارد و به جای آن، عمل سیاسی اش نشانه ای بر پذیرش این رهیافت است؛ چنان که می بینیم، همان زمانی که سید لاری به طرح رهیافت نخست می پردازد، دعوای مشروعه خواهی و مشروطه خواهی در اوج خود بوده است و وی با گردآوری سپاهی انبوه و ورود در عرصه ستیز با نظام قاجار، خویش را در زمره مشروطه خواهان جای می دهد؛ بنابراین می توان گفت: او به رغم طرح رهیافت درجه اول خود شاید می خواسته است آرمان گرایی متیلور در گفتمان ثابت شیعی در مورد مشروعیت، به فراموشی سپرده نشود و به سبب عملی ندیدن آن به «قدر مقدوری» از سطوح «تأمین مشروعیت الهی» بسنده کرده است که قرار بود در نظام مشروطه، عینیت یابد و او نیز از آن حمایت عملی کرد.

3. مرحوم لاری پیش از مشروطه و در دوره چیرگی سلطنت، رهیافت سیاسی ویژه دیگری را که می توان از جهتی آن را «مبارزه منفی» دانست، در پیش گرفته است و در سایه توجه به عدم مشروعیت نظام حاکم، همکاری با نظام غاصب و ستم پیشه را به شدت تحریم می کند. می توان این راهبرد را سیاست «تحریم همکاری با دستگاه ستمکار و غاصب» نامید که عملاً استمرار راهبرد «دولت در دولت» به شمار می رفت؛ راهبردی که از دوران تأسیس «خلافت» و غصب منصب امامت، امامان شیعه (علیهم السلام) پیروان خود را به آن راهنمایی کرده بودند.

شایان ذکر است به رغم طرح رهیافت اخیر، لزوم مراجعه مشورت خواهانه سلاطین و کارگزاران حکومتی امری نیست که از دیدگاه مرحوم لاری پنهان بماند. به تعبیر دیگر، حرمت همکاری با حکومت ها، مانع از طیفه آن ها نیست و توجه به تعدد عناوین، موضوع آن ها و مکلفان در این ساحت، مانع از طرح شبهه بیهودگی در طرح وظیفه دولت ها است. به تعبیر دیگر این امر شأنی از شئون راهبرد «دولت در دولت» می باشد.

سید لاری در مقام عمل سیاسی در دوره های مختلف، متناسب با وضعیت حاکم با زمان، یکی از رهیافت های گوناگون مذکور را برمی گزیده است.

در بحث حاضر، فقط به محورهای عمده اندیشه‌پورزی او درباره راهبرد اول و سوم - البته در این بحث تفصیلی، به جای ترتیب رتبی فوق، بر اساس ترتیب تاریخی به آن ها - می پردازیم؛ چرا که رهیافت دوم که می توانست در قالب «اذن فقیه» مطرح شود، در نوشته های آن بزرگوار مورد بحث قرار نگرفته است و چه بسا حمایت او از نظام مشروطه حاکم در قالب این راهبرد بتواند تحلیل شود و سید لاری احتمالاً باید راهبردی نظری مانند «اذن فقیه»، برای مشروع سازی حمایت از نظام مشروطه را داشته باشد تا بتواند از چنین نظامی حمایت کند.

## 1. راهبرد «دولت در دولت»

### 1.1. تحریم همکاری با دستگاه ستمکار

دغدغه مشروعیت رفتار آدمیان چنان گسترده است که وی ده سال پیش از مشروطه، با نگاشتن *آیات الظالمین*<sup>22</sup>، ستم سوزانه بر رفتارهای ظالمانه که از جمله آن‌ها تصرف‌های ظالمانه و غاصبانه سلاطین جور است، تاخته و در عمل وارد مبارزه همه جانبه با مظاهر استبداد شد.<sup>23</sup> او در این کتاب تحت عنوان «حرمت مطلقه معاونت ظالم» به تحریم همه جانبه حکومت‌های استبدادی و جائز پرداخته و هرگونه همکاری مؤمنان با دستگاه آنان را در تمام زمینه‌ها نامشروع معرفی کرده است. به تعبیر دیگر، در زمان خویش شیوه مبارزه منفی با حکومت‌های استبدادی را واجب شمرده، و دغدغه مذکور در تعلیقات وی بر مکاسب نیز به گونه‌ای دیگر تجلی یافته است.<sup>24</sup>

این گونه «ظلم ستیزی او به ویژه با دولتیان»، امری است که باعث شده کسی مانند مرحوم آیت‌الله علی‌اکبر فال‌اسیری میارز نامدار فارس، چنین مقایسه‌ای داشته باشد که «من فکر می‌کردم که خودم تندروتر هستم؛ اما می‌بینیم که آقا (سید عبدالحسین لاری) از من جلوتر است. همه منابع، بر ظلم ستیزی او خصوصاً با دولتیان تأکید دارند».<sup>25</sup> محمد اعظم بستکی که بعدها در جناح مخالف سید رار گرفت، درباره نامشروع بودن حاکمان از دیدگاه سید، می‌نویسد:

ه عمّال دولت و حکّام دیوانی اعتنایی نداشت و آن‌ها را اهل ظلمه می‌دانست.<sup>26</sup>

گذشته از مصادیق گوناگون ظلم که مورد توجه سید لاری در عرصه‌های گوناگون است و از جمله آن‌ها، مواردی است که به ستم‌های حکومتی بازمی‌گردد و در رساله مذکور به طور خاص به پاسخگویی آن توجه شده، وی به شبهه اطلاق روایت‌هایی می‌پردازد که به لزوم اطاعت سلطان اشاره دارند.

او ضمن اشاره به برخی از این روایت‌ها و تبیین پاسخ‌های فقهی در برابر چنین شبهه‌ای، به این پاسخ نیز توجه دارد که چنین شبهه‌ای یا «تخصیص و تقیید نمودن سلطان به سلطان عادل که پیغمبر و امام وده باشد، به واسطه صوارف عقلیه و نقلیه از عموم و اطلاقش<sup>27</sup>» قابل حلّ است؛ البته مطالعه دیگر آثار ایشان روشن می‌کند که «سلطان عادل» در نگاه سید «واب عام» را نیز در برمی‌گیرد و بر این اساس، «لزوم تأمین مشروعیت دینی» امری است که از دیدگاه او باید رعایت شود.

این رویکرد، بر اساس نظام «دولت در دولت» طرح ریزی شده که از دیدگاه مذهب شیعه و امامان (علیهم السلام)، یکی از بهترین الگوهای عملی برای وضعی مناسب است که نظام حاکم مشروعیت نداشته و امکان تغییر آن نیز نیست.

بر اساس این راهبرد، مرحوم سید لاری به این مباحث می‌پردازد که اولاً شیعیان باید تا جایی که می‌توانند از مراجعه به دستگاه غاصب و ستمگر بپرهیزند. ثانیاً مشارکت در ستمگری متولیان حکومت، امری نامشروع است، و ثالثاً به نامشروع بودن اغلب اموال متصدیان حکومتی اشاره می‌کند؛ چنان که در پاسخ به استفتایی درباره «حکم اموال و املاک این مستبدان مشهود و معهود» می‌آورد که:

لّا که به قواعد و قوانین عدلیّه اسلام والا مقام، اموال و املاک این ظلّام و اقوام، تمام غصب و عدوان و ... است.<sup>28</sup>

این تعبیر وی هرچند در فضای عصر مشروطه و تلاش برای ایجاد نظام جدیدی است، می‌رساند که در عصر پیش از آن نیز با چنین دیدی به حکومت می‌نگریسته‌اند.

## 1.2. لزوم مراجعه مشورت خواهانه سلاطین به عالمان

مرحوم لاری، به رغم نامشروع دانستن حکومت‌های متداول و تصرف‌های آنان، و به رغم باور به نظام «دولت در دولت» به صورت انعکاسی از باور شیعه، به تفصیل به تبیین وظیفه‌ای می‌پردازد که بر دوش حکومت‌های نامشروع سنگینی می‌کند؛ بدین سبب یکی از ابعاد که مرحوم لاری به آن می‌پردازد و

در واقع، جنبه ای عملی از اصل «لزوم تأمین مشروعیت دینی» است، لزوم مشورت خواهی حکومت‌ها از عالمان است. به تعبیر دیگر، وی لزوم رجوع به «شورای ملت» را به صورت جدی مورد توجه و تأکید قرار داده است و این نکته را اگر در فضای عدم قدرت و تمکن فقیهان از به دست گرفتن حکومت در نظر بگیریم، می‌توان آن را طرح حد اقلی برای برپایی حکومت مشروع شیعه در این دوره برشمرد؛ همان گونه که حتی می‌توان گفت: این طرح، بعدی از الگوی «دولت در دولت» است.

بر اساس باور شیعه، اصلی‌ترین وظیفه سلاطین جور، دست شستن از حکومت و بازگرداندن زمام آن به اهل آن یا رخصت خواهی از ایشان است؛ اما در وضعی که آنان این واجب را انجام نمی‌دهند، وظیفه دیگری بر گردن آنان سنگینی می‌کند؛ از این روی، مرحوم لاری مسأله وجوب مراجعه مشورت خواهانه از سوی سلاطین به محضر عالمان را به طور گسترده بررسی می‌کند.

ی‌ضرورت مراجعه به عالمان و محوریت آنان را چنان جدی می‌داند که سقوط و زوال بسیاری از حکومت‌ها را به عدم پابندی حکومت‌ها و سلاطین آن‌ها به «مشروعیت دینی» و عدم پابندی آنان به اصل مراجعه به نواب عام برمی‌گرداند؛ همان گونه که سر توفیق بسیاری از سلسله‌های حکومتی را بر این اساس تصویر می‌کند، به طور نمونه درباره توفیق سلطنت صفویه می‌گوید:

و چنان چه از برکات فیوضات علمی و عملی علمای ملی و شورای حکمت آرای عقلی، آثار انتصار کلی و ئتدار ولی سلاطین صفوی دارالسلطنه اصفهان تاکنون مأمون به امنیت و امان و مشمون به حکمت قمان و ترقیات شان فوق شان و دوام ملک و سلطان الی آخر زمان، برخلاف سایر بلدان مملو از حدثان و نقصان و حرمان.<sup>29</sup>

بته‌وی در این جهت ناگزیر است تا سر توفیق بسیاری از حکومت‌ها و تمدن‌های غیر دینی را که چنین امری برای آنان مطرح نیست، نیز تبیین کند. غایت نهایی این مرحله از اندیشه سازی او، جا نداشتن لزوم رجوع به نواب عام است:

تمام مفسد عالم و بی‌اعتدالی امم و اختلال نظم و حکم و زوال نعم به نعم و وجود به عدم از پدأ آدم تا خاتم و از صدر اسلام تا یوم القیام نبوده و نخواهد بود، مگر به واسطه مخالفت حکم و شورای ملت و کفران نعمت. ... و کسی محروم و معدوم از این مقام معلوم و غنم مغتوم غنیمت ریاست و نعمت سلطنت و خلافت نشده و نمی‌شود، مگر به واسطه شوم مشؤوم و ستم مسموم کفران این نعمت و مخالفت ملت و ...، چنان چه انقراض دولت و زوال سلطنت ششصد ساله بعد از آن نشد و نمی‌شود از پیشان تاکنون، مگر بعد از جفای امت در اخفای امامت و اطفای نور هدایت به طول هجرت و غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و شیورا و مشورت خواجه ملت، و همچنین دوام سلطنت صفویه از برکات کلمای ملیه و ترویج مذهب عدلیه امامیه در مدت مدید پانصد سال... چنان چه دوام مدت سلطنت شاه بهید نبود، مگر از حسن عقیدت به اهل شریعت، خصوصاً در اوایل سلطنت ... چنان چه سلطنت هندوستان و جئه و زنگبار با دوام استمرار ... گرفتار و صغار و انکسار نشد و نمی‌شد، مگر به واسطه مداخله کفار ... و رفع آثار ملت و شعار... و همچنین دولت فرانسه ... به محض احداث قانون مزخرف فنون، مغلول و منکوب ... شد. همچنین سلطان عبدالعزیز عثمانی به محض شوم اجرای همین قانون مشؤوم، معزول و معدوم و گرفتار محاربه کفار روسیه شد؛ ولی برادر رشید سلطان عبدالحمید به واسطه رأی سدید و تلافی شدید اکید در حمایت اسلام و علمای اعلام با کمال اقتدار و فتوحات بسیار ... نموده. همچنین غلبه ژاپان بر روسیه، بر خوارق عادی... از باطن شریعت غراء و ملت و ستجابت دعای یکی از خدام علمای. چنان چه سبب حدوث طاعون و وباء ... از تاریخ ده سال قبل از این تاکنون، به واسطه نفرین يك از خدام اهل دین.<sup>30</sup>

ین بحث لاری، هنگامی معنای عمیق خود را نشان خواهد داد که توجه داشته باشیم در بحث حاضر، تعبیر «ملت» را در خلال مصادیق متعدد دی به معنای تاریخی آن به کار می‌گیرد که به معنای «مذهب» و «نواب عام» بوده است؛ از این رو، به نظر می‌رسد که منظورش از تعبیر «ملت»، در تعابیری مانند «تمام مفسد عالم ... نبوده و نخواهد بود، مگر به واسطه مخالفت حکم و شورای ملت و کفران نعمت»،



<sup>31</sup> به معنای «دین» و برای اشاره به لزوم مشورت با عالمان است.

یکی در خلال این بحث، به موارد متعددی می پردازد که از مصادیق دیدگاه پیشین به شمار می روند؛ مواردی مانند: «تسلط اعراب بر تمام مشاخری و مغارپ در مدت ششصد سال»، «تسلط روسین بر اطراف ثغور مسلمین»، «وام سلطنت صفویه در مدت مدید پانصد سال». سرانجام به این نتیجه می رسد که می توان ضابطه ای کلی برای ارزیابی علل سقوط یا اوج گیری دولت ها و تمدن ها به دست آورد. این ضابطه، مراجعه به عالمان و «شورای ملی» است و عدم مراجعه به آن ها از جهت ارزشی منفی دانسته شده و فرجام آن افتادن در آتش است:

**و علی هذا القیاس، احوال سایر الناس من حیث الصحه و اللتباس و الغناء و الافلاس و الترقی و الانعکاس فاعتبر، بهذا المقیاس و الاقتباس احوال سائر الاناس، فانه خیر مقیاس و اساس فی الفراسه و الافتراس؛<sup>32</sup> ... به هیچ تدبیر و تسخیر و نظم و تنظیم و حکمت و تحکیم و علم و تعلیم و فهم و تفهیم و دین و تدوین و حسن و تحسین در عالم نیست، مگر شورای ملی و آرای کلی و توحید. لا فتی الا علی، لاسیف الا ذوالفقار، و ماعده نار و عار و ذل و صغار و شعبده السحرة و مسخرة الکفرة<sup>33</sup>.**

مرحوم لاری بحث مشاوره با عالمان را برای ثبات جامعه و حکومت، به صورت جدی لازم می داند و از همین روی، در ادامه، خود را ناچار می بیند به این شبهه پاسخ دهد که استواری دولت ها و ادیان باطل، نقضی برای شیوه تحلیلی است که او ارائه داده است.

فان قلت: مشهود و معهود است استقامت سلطنت دول و نحل باطله، مخالفت تمام اهل شرع و ملل، ون ممل و عیّل، بلافتور و زلّ، و بلاختلال و خلل.

قلت: در جواب مقرون به صواب اولاً؛ اجمالاً به این که شبهه مصادم ضرورت نمی شود، قطعاً. و عذر و معذرت خطا نیست، عقلاً؛ چرا که حکمت حکیم جبار در رفع الجاء و اجبار از فاعل مختار، مقتضی همین است که در مقابل هر عقلی جهلی، و هر ضرورتی شبهه ای، و هر حقی باطلی، هر محکمی جهالتی، و هر صلاحی فسادی، و هر خیری شری، و هر حکمتی تشابهی، و هر پیغمبری شیطانی ... و ثانیاً قضا به این که تمام فنون فساد و مفساد و افساد و اذیت عباد و خرابی بلاد ناشی و منتهی به نفوس خبیثه شریره مرده ابالیس بنی جان است و یا وجود این، استیلا و سلطنت ایشان، از آدم تا آخر عالم، بر نام نفوس و اموال و ناموس امم، بر وجه اتم و اعم و ادوم و اقوم، از سلاطین عالم یجری منهم مجری لدم فی العروق. ... و برای توجیه این استمرار تاریخی سلطنت آن ها وجوهی هست علی سبیل منع لخلو. منها، این که اقتدار و استمرار و سلطنت کفار نیست، مگر بر خصوص کفار و اشرار خبیث بی صاحب و بی ملت امثال خود... و من المعلوم این که کشتن هزار کلب هراش و عقور بی صاحب هیچ نقلی نیست و مورد مؤاخذه کسی نیست، به خلاف کشتن يك کلب معلّم ... و منها، این که اقتدار و استمرار سلطنت باطله کفار از باب امهال و انظار خاص به کفار است... یا از باب استدراج و املا اسیت... یا از باب ایفای جزای حسنات ایشان است در دنیا که حظی نداشته باشند در آخرت... و از باب تبعیت و سرایت حسنات اسلاف ماضین و اعقاب آتین یا به جهت مجاورت و صحابه مؤمنین و رحمة للعالمین.<sup>34</sup>

چنان چه پیش تر از ایشان ذکر شد، مطلوب ترین شکل قابل تحقق در نظر وی محوریت یوآب عام در جایگاه ریاست مجلس است، نه آن که فقط رجوع مشورت خواهانه به ایشان باشد و حتی تعبیر مرحوم لاری در این بخش نیز تبیین کننده اصل «لزوم تأمین مشروعیت دینی» است.

**2. راهبرد «حکومت دولت شریعت و حذف دولت سلطنت»**

**2.1. لزوم ریاست فقیه بر مجلس (و کلّ حکومت)**

گذشته از افقی که باورهای اصیل اسلامی برای بنیان‌گذاری حکومت ترسیم می‌کند و مرحوم لاری نیز ز چنین افقی به اندیشه سازی می‌پردازد، طراحی متناسب با وضع زمان و مکان، وی را می‌دارد تا حدودی در مقام ارائه طرح یا احیاناً پذیرش طرح‌های دیگران، به سطوحی از اقتضائات زمانه تن داده، به ساختاری (به صورت درجه دوم) رضایت دهد که لزوماً تمام اهداف عالی مورد نظر او را تأمین نمی‌کند و فقط در جهت تأمین قدر ممکن و مقدوری از خواسته‌های بنیادین او است؛ البته در فهم دیدگاه‌های مرحوم لاری در «قانون اتحاد دولت و ملت»، این برداشت برخی را نمی‌پذیریم که وی دیدگاه‌های شروعه خواهان را کاملاً به دور از موازین شریعت اسلامی معرفی کرده و در رفتار سیاسی نیز عملاً در برابر جریان شیخ فضل‌الله قرار داشته است.<sup>35</sup>

لاری در مقام «نظام‌سازی»، نزدیک‌ترین الگو به باورهای مطلوب خویش را ساختاری می‌بیند که در آن، مجلس محوریت دارد و در رأس آن، فقیه قرار دارد و شأن نمایندگان مجلس، ارائه مشورت به او است؛ حال آن که در مقام عمل ناچار می‌شود به همان ساختاری رضایت دهد که وضع عصر مشروطه بر جامعه تحمیل کرد؛ ساختاری که در آن، شأن فقیه از دیدگاه مرحوم لاری رعایت نشده و بر این اساس، «شرط کمال و تکمیل مجلس» در آن مفقود است.

شایان توجه است که زمان طرح این نظام فقه‌ای تمام عیار (محرّم 1326) مدّتی پس از درگیری‌های فکری و اجتماعی گسترده‌ای بود که با تحصن سه ماهه عبدالعظیم (تا 8 شعبان 1325) به اوج رسید؛ بنابراین، مرحوم لاری که به شکلی موضع مشروطه خواهی دارد، نوعی ساختار حکومتی را ارائه می‌کند که از جهتی، سطح آن از خواسته‌های آن زمان شروعه خواهان بالاتر است و از این روی، از جهت تاریخی، زمان ارائه این طرح از سوی چنین مشروطه خواهی باید تعجب آور باشد و اگر موضع او را در تنافی جدی با موضع شروعه خواهان آن زمان ببینیم نمی‌توان به راحتی این نکته را هضم کرد مرحوم لاری که فرض شده در تعارض با شروعه خواهان است، با طرح اندیشه‌ای شروعه خواهانه، بهانه‌ای به دست شروعه خواهان مقابل خویش بدهد؛ بنابراین، همانند برخی نویسندگان، درباره نگاه مرحوم لاری به این نکته نمی‌توان بسنده کرد که «شخصات و ویژگی‌هایی که مرحوم لاری برای مشروطیت مشروع و مورد تأیید خویش می‌شمارد، این رساله قانون

مشروطه شروعه را از بنیاد با دیگر رسائلی که در دفاع از مشروطیت نوشته اند، متفاوت می‌سازد»<sup>36</sup> و شاید نتوان فقط به چنین نکته‌ای بسنده کرد که «او آن چه را در این رساله قانون در اتحاد دولت و ملت بررسی کرده است، انتظارات خودش از مشروطه است، نه مشروطیت موجود؛ ... او که قطعاً به تفاوت تلقی خود از مشروطیت با سایر علما آگاه است، همواره از مشروطه موجود حمایت می‌کند».<sup>37</sup>

به هر حال، مرحوم لاری در رساله قانون مشروطه شروعه<sup>38</sup> که پیش از انحلال مجلس و تعطیل مشروطه نوشته است و از همین روی، چندان به انتقادات شروعه خواهان نمی‌پردازد، ترسیمی زیبا و ویژه از مشروطه شروعه دارد که در رأس مجلس آن، فقیه قرار دارد و وظیفه مجلس، ارائه مشورت به او است. وی در فصل سوم که به «حکام تکلیفی و حقوق وضعی و وظایف شرعی» مربوط است، می‌آورد:

ما شروط کمال و تکمیل مجلس این است که اقلّاً و اولّاً شخص اول مجلس، فقیه عادل و جامع شرابط باشد. پس از آن بدل و قائم مقام ایشان از عدول مؤمنین هر چه بیش تر بهتر. پس از آن، الّادین نالّادین من اهل الدین، پس از آن الّاسلم فالّاسلم من المسلمین؛ ولی هر يك از اصناف ثلثه مکلفین علی اختلاف مراتبهم المتشتمه از حاکم شرع و عدول مؤمنین و سایر مسلمین مشترکند در تکلیف به مور حسیبه و واجبات کفائیّه.<sup>39</sup>

چنان که تعابیر مذکور گویا است، مرحوم لاری حتی شرایط افراد جایگزین برای ریاست مطلوب را نیز بیان کرده و به طراحی ساختارهای درجه دوم، سوم و ... پرداخته است که بر اساس آن، باید رئیس مجلس شرایط ویژه‌ای را داشته باشد؛ اما شرایط حاکم بر عصر مشروطه، تحقق آن‌ها را ناممکن ساخت و این مجاهد بزرگوار به حد اقلی بسنده کرد که مطلوب وی نبود. بر این اساس، هنگامی که مرحوم سید عبدالحسین لاری در بستر اجتماعی - سیاسی حاکم، دید که راهبرد اصیل و نخستین وی در عصر

مشروطه نتوانست زمینه عملی بیابد، ناگزیر شد در همان زمانی که طرح خویش را به صورت مکتوب به جامعه عرضه می داشت، به کم تر از آن قناعت کند که به صورت نظام مشروطه مطرح می شد.

## 2.2. توقّف نمایندگی مجلس بر اذن فقیه

نظام نمایندگی نظامی است که مرحوم لاری آن را برای رهیافتی عملی جهت ساماندهی اجتماعی برگزیده است؛ اما وی با به کار بستن تلاشی در خور تقدیر، به دنبال آن است که با شیوه «تصحیح مشروعیت»، آن را هرچه بیش تر به نظام مطلوب و مشروع در زمان غیبت نزدیک کند. در فرجام این لاش، همان گونه که واژه پادشاهی معنای خود را از دست می دهد و به شدت تنزل می کند، نمایندگان در جایگاه بازوان مشاورت دهنده نایب عامی، ایفای وظیفه خواهند کرد که منصب ریاست مجلس (و در واقع ریاست کل ساختار حکومتی) را به عهده دارد؛ البته روشن است در فضای فکری مرحوم لاری این فرض مردود نیست که به اقتضای مصالح، نوعی استقلال را به نمایندگان بدهد؛ ولی مهم این است که اصل چنین تفویض اختیاری در حوزه اختیارات او است؛ همان گونه که می تواند مسؤولیت های دیگر را به کارگزاران قوه مجریه بدهد. بر این اساس، نظام مشروطه که مرحوم لاری پذیرای آن می شود، به معنای «نظام درجه دومی» است که در آن، مجلس چندان روشن نیست که زیر نظر فقیهان عمل کند، و نمایندگان آن فقط با اذن انفعالی فقیه اگر واقعاً اذنی به همه آن ها داده شده باشد، وارد شده، به فعالیت می پردازند.

در فضایی که مرحوم لاری به دنبال «نظام مطلوب و درجه یک» است، تأمین مشروعیت نظام نمایندگی از کلیدی ترین عناصر عملی برای «تأمین مشروعیت الهی» در حوزه تصرفات حکومتی در وضعیت جدید است. بر این اساس، مرحوم لاری لزوم اذن فقیه را شرط عضویت در مجلس برمی شمارد.

مرحوم سید عبدالحسین لاری، امور متنوعی را به صورت فواید مجلس و فضایل اهل آن برمی شمارد؛ مآ حصول آن ها را به شرایطی منوط می داند و در ادامه برای عضویت مجلس، لزوم اذن از فقیهان را مورد تأکید قرار می دهد. او در ادامه شرط سوم که امور متعددی را با یک دیگر بیان داشته، مسأله لزوم اذن فقیه برای عضویت مجلس را مطرح کرده است:

شرط ثالث این که دخول در کعبه انجمن حرم محترم ملّی، باید به قصد خلوص مّحرم به احرام مخصوص ... پس از تخلیه و تطهیر از اخبات و احداث ظاهریه و باطنیه ... و کمال مجاهده و جهاد و مدد و ستمداد از رب العباد، ... و اذن دخول از کرام الکتبیین و امام مبین باشد. «ادخلوها بسلام آمین»<sup>40</sup>، «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم»<sup>41</sup>، فان المراد، بیوت الاسلام و الدین لکافربین حیناً بعد حین و فی هذه الاعصار، و ان کان الغائب عن الابصار حاضراً فی الامصار و اطراً فی کلّ امور الامور و الاثار، الا ان ظاهر الاخبار و الاعتبار ارجاعهم العوام الی نوابه العام فی کلّ حلال و حرام و استیذان و استعمال کما علیه سیره الروات فی الاجازة و لاستجارة فی الروایات فانّ من جدّ وجد<sup>42</sup> «ولیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری»<sup>43</sup>، «و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا»<sup>44</sup>، «و ان الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون»<sup>45</sup> و ضابط کلّی و جامع علمی و عملی شرایط ملّی و فقد موانع فعلی قوله فی تفسیر العسکری: «فاما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه (ای: من المعاصی) حافظاً لدينه (ای: من لتغیر و التبديل) بخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولاه فللعوام أن یقلدوه، ذلك لایکون الا بعض فقهاء الشیعة لا جمیعهم، الحدیث»<sup>46</sup>،<sup>47</sup>

## 2.3. کیفیت دخالت غیر فقیه در امور حکومتی

در بحث های پیشین روشن شد که خواست استقلال مردم نمی تواند در مشروعیت یابی دولت ها هر چند به صورت «جزء العله» نقشی ایفا کند و فقط می تواند با ایجاد «مقبولیت»، به صورت شرط حصول

رجات خاصی از مسؤولیت برای فقیه (و حتی امام معصوم) در تصدی امور، نقش آفرینی کند. در این بخش یادآور می شویم که جدا از سطوح گوناگون مسؤولیت که برای فقیه (و امام معصوم) وجود دارد، آید کیفیت مسؤولیت پذیری آحاد مردم و دخالت در امور حکومتی از جهت مشروعیت بررسی شود.

در جهت تبیین جایگاه فقیه و تبیین کیفیت دخالت غیر فقیه در امور حکومتی، این باور شیعی بر زبان مرحوم لاری منعکس شده است که جایگاه غیر فقیهان در موارد و شرایطی که آن ها نیز حق دخالت دارند، در طول جایگاه فقیهان است؛ هر چند ماهیت فقهی چنین اموری «واجب کفایی» است. وی در فصل سوم رساله قانون در اتحاد دولت و ملت، تحت عنوان «ر احکام تکلیفیه و حقوق وضعیه و وظایف شرعی» چنین آورده است:

ولی هر يك از اصناف ثلثه مكلفين على اختلاف مراتبهم المتشتملة، از حاکم شرع و عدول مؤمنین و سایر مسلمین می‌شترکنند در تکلیف به امور حسبه و واجبات کفائیه... اگر چه امر به اقامه حدود شرعیه و مجازات الهیه، حکم به جمعه و جهاد، حکم به قضا و افتا از وظایف فقیه عادل است، ولی اعتماد به این اوامر و اقامه و اجرای این احکام واجب کفایی است بر همه آنان که به انجام و اتمام برسانند. فعلی هذا، ق الولایة، کلیه الاولیة: ب اولی حق ولایت، مصداقی از قاعده اولویت، بر اساس آیه اولی بالمؤمنین من انفسهم و اموالهم است. هر حاکم شرع را بر تمام طبقات من دونه از تمام مکلفین است شرعاً از لطان، حکام، عمال، ضیاط، شاه و گدا در کلیه امور حسبه و اجرای حدود شرعیه، ترجیح، تعیین احکام کلیه، مصالح نوعیه از عزل و نصب، تعزیر، تحدید، تغییر، تبدیل، تقرب ماحقه التباعد و تباعد ماحقه لتقرب به مسوغات شرعیه مثل تألیف قلوب یا تبلیغ احکام یا اتمام حجت، رسول و امام.

اکم شرع حق بر تمام آنان دارد و مقدم و نافذالحکم است و کسی را حق میخالف و معارضه در آن است شرعاً، و اما وظیفه عدول مؤمنین و سایر مسلمین در کلیه امور حسبه در صورت اذن و رخصت، با عدم حضور حاکم شرع است به این معنا که در طول حاکم هستند، نه در عرض.<sup>48</sup>

## ب. اصل «هدایت نهادینه دینی در قانون گذاری»

چنان که روشن شد، مرحوم لاری در رساله قانون در اتحاد دولت و ملت، طرحی از مجلس ارائه داد که در آن، فقیه جامع الشرایط در جایگاه نائب عام امام قرار دارد و قلمرو تصمیم گیری او را بسیار گسترده دانست. از سوی دیگر، وظیفه نمایندگان مجلس را ارائه مشورت به رئیس می داند. بر این اساس، نزد او اصل «هدایت نهادینه دینی در قانون گذاری» به این صورت قابل تحقق خواهد بود که چون فقیه جامع الشرایط، عالی ترین متصدی تصمیم سازی سیاسی - اجتماعی است، از يك سو، قانون گذاری به شکل مستقیم در بستر هدایت دینی قرار خواهد گرفت و از سوی دیگر، در فضایی که ریاست وی شکلی رسمی دارد و هیچ يك از اختیارات حکومتی، بی اذن وی تحقق خارجی نمی یابد، نهادینه بودن این هدایت، تأمین خواهد شد و کسی را توان مخالفت با ریاست فائده احکام دینی نخواهد بود.

بررسی دیدگاه های مرحوم لاری در زمینه هدایت نهادینه مذکور، در قالب چند بحث آتی صورت خواهد گرفت.

### 1. هدایت امور متغیر بر اساس احکام ثابت

وی گذشته از آن که «حکمت آرا و اتفاق نظر صواب دید شورا» را با اشاره به شرایط نمایندگان (مواد سوم، چهارم و پنجم قانون اساسی)، «موقوف و مصروف بر حسن فطرت و رشاد و بصیرت و اعتقاد» می اند، با تشریح مقدّماتی کلامی، توقف مشروعیت شورا بر رعایت اصول حاکم بر احکام دینی را اثبات می کند. وی در این مقدّمات، بر بازگشت تمام امور به افاضه الهی تأکید می کند و از سوی دیگر، افعال الهی نیز بر اساس مصالح و مفاصد است:

1 هیچ اثر و آثاری و قدرت و اقتداری از فیض وجود و عقول و قصود و غیاب و شهود و والد و مولود و

بستی و قدرت و عمر و عزت و دولت و سلطنت دنیا و آخرت من الیدایه الی النهایه، از علل محدثه و مبقیه باسرها و جمیعها نبوده و نخواهد بود، مگر به افاضه و عنایت حضرت معبود و وسایط فیض مبدأ فیاض واجب الوجود.<sup>49</sup>

2 افعال الله معلل به اغراض است.<sup>50</sup>

وی با تکیه بر چنین مقدمات کلامی، بر لزوم رعایت رهنمودها و صوابی‌دهایی دینی تأکید موزرد که در فرمایش‌ها و دستورهای انبیا، امامان (علیهم السلام) و نواب عام ایشان تبلور می‌یابد:

فعلی هذا، هر نظر و شورایی و خیال و آرای که مخالف قواعد و قوانین شرایع و دین اسلام و مسلمین است، از مزخرفات وحی شیاطین و منشأ تمام مفاسد دنیا و دین و خلل و اختلال نظم حال و اعتدال سمان و زمین و مخرج از ربقه اسلام و مسلمین است. فعلی هذا، بدیهی است که هیچ نظر و شورایی؛ هیچ تدبیر و آرای از هیچ عقل و عقلائی و هیچ ذی شعور و دانایی محل اعتبار و اعتنایی نبوده و نخواهد بود، مگر راجع به نظر صواب دید آرا و شورای انبیای عظام و علمای اعلام و نواب حضرت خیرالانام و عقل عقیل مستقل امام 7 والا مقام و قواعد و قوانین شرع اسلام.<sup>51</sup>

آن چه می‌تواند بستر هدایت دینی را در این تصویر ایجاد کند، محوریت احکام ثابتی است که فقیهان بزرگوار، دستورالعمل‌های مربوط به پیشامدهای نو به نو را بر اساسی آن‌ها استنباط کرده، محور رفتار سیاسی - اجتماعی قرار می‌دهند. مرحوم لاری در این جهت محوریت راهبری جامعه بر اساس احکام ثابت و برآمده از مصالح و مفاسد واقعی را بر عهده فقیهان می‌داند.

## 2. اختیارات فائده رئیس مجلس

مرحوم لاری در فصل چهارم از رساله قانون در اتحاد دولت و ملت، تمام مسؤولیت‌ها را زیر نظر رئیس جلسی معرفی می‌کند که حاکم شرع جامع الشرایط است و بر این نکته تأکید می‌کند که کسی جز او، چنین حقی ندارد و نمی‌تواند دخالت کند، مگر آن که از بین رفتن ویژگی‌های بایسته به وسیله مؤمنان مسلم‌العداله ثابت شود. بر این اساس، او تمام عزل و نصب‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و «ترجیح کلیه آرای شورا» را وظیفه انحصاری فقیه جامع الشرایط می‌بیند که ریاست مجلس را عهده دار است، مگر آن که فرد دیگری به اذن او چنین کاری را به دست گیرد:

ان چه ولایت کلیه اجرای حدود شرعیّه و سیاسات الهیّه و احکام تکلیفیّه از هر جهت، حقّ حقیق حاکم شرع عادل است، لاغیر؛ كذلك و همچنین ترجیح کلیه آرای شورا و تعیین اسم و رسم و لقب، منصب، ناظر، قیّم، وکیل، امین، کاتب، منشی، معین، ناظم، خازن، ولی، والی، متولی، تعیین مراتب هر کس از حیث جرح، تعدیل، اصیل، وکیل، تجلیل، تجلیل، تصدیق، تکذیب، تغییر، تبدیل، توقیت، و توصیف از هر جهت حقّ حقیق حاکم شرع مسلم‌العداله اهل مجلس است، لاغیر، و کسی را حقّ مخالفت، مغوضه، رد، ایراد، عقد مجلس ضرار در مقابل مجلس اخیار و تفریقاً بین المؤمنین و ارساداً لمن حارب الله و رسوله به هیچ وجه حقی نیست، مگر این که عدول مؤمنین مسلم‌العداله، اثبات فسق و خیانت او را نمایند و عزل و انزال او را بنمایند. در این صورت، از درجه اعتبار ساقط است شرعاً،... و ایضاً کسی را ن عقد مجلس و نه حقّ تعیین و نه حقّ انتخاب، نه ابتدائاً و نه استدامه نیست، مگر به اذن و رخصت حاکم شرع مسلم‌العداله از مشروطه خواهان، نه مستبدین.<sup>52</sup>

مسؤولیت «نظارت و تصدّی بیت المال»، جنبه دیگری است که او در فصل پنجم رساله مذکور بر عهده حاکم شرع می‌بیند:

اختیار بیت المال مسلمین از هر جهت... در تحت عموم ولایت ولیّ عام امین مؤتمن شرعی مسلم‌الامانه و العداله است، و مصرف آن، مال عموم مصالح مسلمین است، از مصالح معاد و معاش.<sup>53</sup>

مسأله «جمع آوری و توزیع مالیات» نیز از دیگر ابعاد است که لاری مسؤولیت تعیین کمیّت آن را بر عهده حاکم شرع (ریاست مجلس) می بیند و کیفیت آن را قهراً به لحاظ تعیین موضوع و رجوع به تخصص، به متولیان مؤمن محلی وا می گذارد و در فصل ششم از رساله مذکور به آن می پردازد:

ر کمیّت و کیفیت اخذ خراج و مقاسمه شرعیّه،... اما کمیّت آن ... منوط به نظر امام و نایب عام است، ... و اما کیفیت اخذ و استیفای این است که به تصویب و تعیین عدول مؤمنین مجلس ملی حالی، تل نسبت به محل خود، تعیین ممیز خراس قاضی امین مؤتمنی نمایند که به وصول و ایصال و نقل و انتقال مالیات حسابی بپردازد در موقع خود.<sup>54</sup>

سؤولیت های مذکور، برخی از عمده ترین وظایف فقیه جامع الشدّ رابط است که مرحوم لاری آن ها را به طور گسترده بررسی می کند.

### 3. راهبری نهادینه و نظارت فائده فقیه بر مصوّبات مجلس

مرحوم لاری ساختاری ترسیم کرده است که بر اساس آن، نظارت فقیهان بر مصوّبه های مجلس، شکلی دیگر می یابد و نظارت آنان به معنای تصدی بازمی گردد.

شایان توجه است که پیشنهاد جناب شیخ فضل الله نوری مبنی بر لزوم نظارت هیأتی از فقیهان بر مصوّبه های مجلس که هفتم ربیع الاول 1325 آن را طرح کرد، سرانجام در جلسه اول و سوم جمادی الاول مجلس، مورد بحث قرار گرفت و نمایندگان، «آن را با دگرگونی هایی پذیرفتند و اصل دوم» متمم قانون اساسی قرار دادند.<sup>55</sup>

در برابر می بینیم که مرحوم لاری چندین ماه پس از تصویب این اصل، هرچند در برابر اصل مذکور سکوت کرده، در نوشته های خود، درباره آن سخنی نمی گوید، با اتخاذ رویکردی ویژه که از جهتی با پیش فرض های آن مخالفت دارد، بر اساس نظام دیگری سخن می گوید که آن را نزدیک ترین الگوی عملی برای نیابت فقیه در امور حکومتی می داند؛ نظامی که در آن، آرای نمایندگان در طول رای ریاست مجلس واهد بود و این حاکم شرع جامع الشدّ رابط، مسؤولیت و وظیفه گزینش و «ترجیح» بهترین نظریات نمایندگان در تمام امور را خواهد داشت:

ان چه ولایت کلّیه اجرای حدود شرعیّه و سیاسات الهیه و احکام تکلیفیّه از هر جهت حقّ حقیق حاکم شرع عادل است، لاغیر؛ كذلك و همچنین ترجیح کلّیه آرای شورای و تعیین اسم و رسم و لقب، منصب، ... تعیین مراتب هر کس ... از هر جهت، حقّ حقیق حاکم شرع مسلم العداله اهل مجلس است، لاغیر، و کسی را حقّ مخالفت، ... به هیچ وجه نیست، مگر این که عدول مؤمنین مسلم العداله اثبات فسق و خیانت او را نمایند.<sup>56</sup>

با این توضیحات می بینیم مرحوم لاری بی آن که به اصل مصوّب پیشین کاری داشته باشد، راهبرد دیگری ارائه داده است که بر اساس آن نیز می توان به اصل «هدایت نهادینه دینی در قانون گذاری» ست یافت و نکته حائز اهمیت دیگر زمان حساسی است که وی طرح مذکور را ارائه داده و از این جهت عملاً می توانسته است مقابل مشروطه خواهان، و کنار مشروعه خواهان قرار گیرد.

### 4. نظارت نهادینه فقیه و ضمانت اجرا

«هدایت دینی در قانون گذاری»، هنگامی به کمال می رسد که «ضمانت حقوقی» لازم جهت نهادینه شدن خود را داشته باشد. در طرحی که مرحوم لاری ارائه داده، سطح بالایی از این ضمانت وجود دارد؛ مان گونه که ویژگی الگوی او این است که فقیه جامع الشدّ رابط، تمام قوا، شامل قوای اجرایی، امنیتی، نظامی، مالی و ... را در دست دارد و حصول شرایط نخستین برای تشکیل این ساختار می توانست

شرایطی بیش از ضمانت حقوقی برای ثبات اصل ساختار و کارویژه های آن را که در رأس آن ها هدایت نهادینه دینی در قانون گذاری است فراهم سازد؛ اما متأسفانه وضعیت عصر مشروطه، پیش نیازهای نخستین برای تشکیل ساختار مورد نظر او را فراهم نیاورد.

## نتیجه گیری

چنان که دیدیم، مرحوم سید عبدالحسین لاری، الگوهای عملی مناسبی برای شرایط گوناگون طرح کرده و می کوشیده است پا به پای زمان، بر اساس دو اصل ثابت «لزوم تأمین مشروعیت دینی» و «لزوم ایفای مسؤولیت دینی» که شکل دهنده اندیشه سیاسی دینی او بوده است، حرکت کند.

مهم ترین راهبرد عملی و نظری در ذهن وی، برای عصر غیبت، «ولایت عامه فقیه» است که به شدت آن را باور داشته و تا حد امکان در عمل نیز به دنبال عملی ساختن حد مقدور و ممکن از ابعاد آن بوده است و در همین جهت، مجلس شورایایی را که وی خواستار آن بود، مجلسی است که در رأس آن فقیه باشد و نمایندگان نیز که وظیفه آنان، ارائه مشاوره به رئیس مجلس است، باید برای شرکت در مجلس، جانب از فقیه مأذون باشند و سلطان تحت دستور چنین مجلسی انجام وظیفه می کند.

از سوی دیگر، چنان که ملاحظه شد، مرحوم لاری در مرحله نظام سازی و تصمیم سازی سیاسی، اصل «لزوم تأمین مشروعیت» را به شکل جالبی در زمینه تصرف و تصدی اجرا کرده که تحت عنوان اصل «صحیح مشروعیت تصرف» در دو وادی نظری و عملی، ترسیم شده است؛ همان گونه که در زمینه قانون گذاری، اقتضای مرحله نظام سازی و تصمیم سازی سیاسی را رعایت، و «هدایت دینی در قانون گذاری» را به صورت «نهادینه» ترسیم کرده است.

## کتابنامه

1. بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارك علمی ایران، 1374.
2. بنی عباسیان، محمد اعظم، تاریخ جهانگیریّه و بستک، بی جا، 1339.
3. ترکمان، محمد، رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات... و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری، تهران: ج 1، مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا، 1362.
4. جاثری، عبدالهادی، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیر کبیر، 1378.
5. رفیعی علامرودشتی، علی، سیری در زندگینامه سیاسی سید لاری و همزمان وی، (مندرج در: مجموعه مقالات، کنگره بزرگداشت آیت الله سید عبدالحسین لاری).
6. رکن زاده آدمیت، محمدحسین، دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج 3، چ 1، تهران: انتشارات اسلامی، 1339.
7. زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، هجده رساله و لایحه درباره مشروطیت، تهران: چ 2، انتشارات کویر، 1377.
8. شکوری، ابوالفضل، مجموعه مقالات، مروری بر اندیشه سیاسی مجتهد لاری، قم: چ 1، کنگره بزرگداشت آیت الله سید عبدالحسین لاری، بنیاد معارف اسلامی، 1418 ق.

9. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، 1376.
10. کدیور، محسن، حکومت ولایی، چ 3، تهران: نشر نی، 1378.
11. —، نظریه های دولت در فقه شیعه، چ 4، تهران: نشر نی، 1378.
12. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چ 19، تهران: امیرکبیر، 1378.
13. لاری، عبدالحسین، التعليقة على المكاسب، ج 2، قم: اللجنة العلمية للمؤتمر، مؤسسة المعارف الاسلاميه، 1418 ق.
14. —، رسائل سيّد لاری، شجره طیبه، تحقيق سيّد علی میرشریفی، ج 1 و 3، چ 1، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، 1377.
15. —، مجموعه رسائل، چ 1، قم: هیأت علمی کنگره بزرگداشت آیت الله سيّد عبدالحسین لاری، بنیاد معارف اسلامی، 1418 قمری.
16. لاریجانی، صادق، مبانی مشروعیت حکومت ها، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال دوم، شماره اول، بهار 1381.
17. ملکم خان، روزنامه قانون، تهران: انتشارات کویر، 1380.
18. وثوقی، محمدباقر، لارستان و جنبش مشروطیت، چ 1، قم: نشر همسایه، 1375.
19. وینسنت، آندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، 1371.

## پی نوشتها

1. آندرو وینسنت: **نظریه های دولت**، ص 67.
2. عبدالرحمن عالم: **بنیادهای علم سیاست**، ص 105.
3. علی بخشی: **فرهنگ علوم سیاسی**، ص 185.
4. صادق لاریجانی: **مبانی مشروعیت حکومت ها**، ص 10 - 12.
5. لاری: **هدایة الطالبین فی اصول الدین**، مجموعه رسائل، ص 133 و 134. این رساله در جمادی الاول 1342 به چاپ رسید.
6. متأسفانه برخی مانند نویسنده کتاب **نظریه های دولت در فقه شیعه**، گویا در جهت القای اختلاف فراوان فکری در اندیشه عالمان بوده، و چه بسا خواسته اند از این راه، نظریه ولایت فقیه مورد نظر امام خمینی (قدس سره) را یکی از چندین نظریه مطرح شده معرفی و برای آن رقیب تراشی کنند. افزون بر تحریف نظر بزرگانی چون میرزای قمی (با اقتباس از برخی برداشتهای او و تحریف های ناصواب عبدالهادی



حائری در **نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران...** (ص 351 - 342)، سید کشفی (با اقتباس از همان، ص 324 - 328)، شیخ فضل الله (گویا با اقتباس از زرگری نژاد، **رسائل مشروطیت**)، میرزای شیرازی و ...، فقط به اشاره ای کوتاه و آن هم با استفاده از يك منبع دست چنم از کنار انبوه مباحثی گذشته که مرحوم لاری برای اثبات ولایت فقیه ذکر کرده است و بر اساس آن ارائه الگویی عملی از نظام کارآمد و مشروع پرورنده اند؛ به رغم این که مباحث مرحوم لاری به طور کامل در جهت موضوع کتاب بوده است؛ همان گونه که حتی اشاره ای به ولایت فقیه از دیدگاه کسانی مانند حاج آقا نورالله اصفهانی و آقا نجفی اصفهانی نیز ندارد (محسن کدیور: **نظریه های دولت در فقه شیعه**، ص 126 - 125). یادآور می شود که آقا نجفی اصفهانی از استادان مرحوم نائینی بوده است و رساله ای در ولایت فقیه دارد. نویسندگان مذکور فقط چند جا جز يك مورد در پاورقی های کتاب **حکومت ولایی**، به مطالب آقا نجفی اصفهانی ارجاع می دهند؛ ما این موارد نیز جز يك مورد، در جهت تضعیف ادله ولایت انتصابی، مورد اشاره قرار گرفته اند.

7. لاری: **التعلیقه علی المکاسب**، ص 143.

8. همو: **ولایت فقیه**، رسائل سید لاری، ج 3، ص 5.

9. همان، ص 7.

10. ارتکازی بودن این آموزه شیعی که مرزبندی کلامی تشیع با اهل تسنن به آن بسته است، به طور نمونه در سخنان میرزا ملکم که ریاکارانه به دنبال استفاده ابزاری از آن است، به شکل زیبایی انعکاس یافته. وی در شماره 26 **روزنامه قانون** می گوید: «موافق مذهب شیعه، سلطنت حالیه ایران بر خلاف اصول اسلام و شاه غاصب است. بنا به این عقیده مذهبی، امروز در ایران دو حکومت است: یکی مشروع که متعلق به علمای دین است، یکی دیگر غصبی که دستگاه ظلمه می گویند. خد ام دولت مشروع، یعنی مجتهدین بالضروره دشمن این دستگاه هستند؛ از شاه ابداً نشان و مواجب قبول نمی کنند. حتی آن مسلمانان که داخل نوکری سلطنت شاهی شده اند، مواجب خود را حرام و خدمت این سلطنت را گناه می دانند و این میانیت دو حکومت به طوری در قلب این ملت رسوخ دارد که عموم شیعیان با همه فقر خود علاوه بر آن مالیات که دستگاه جبراً می گیرد، چند فقره مالیات دیگر به اسم زکات و خمس و ثلث، بدون هیچ اجبار و محض ادای فریضه دین به مجتهدین می دهند». (ملکم خان: **روزنامه قانون**، نمره 26). وی حتی پا را فراتر گذاشته و افزون بر نفی سلطنت ناصری بر اساس سدك ریاکارانه به بنیادهای ستم ستیز شیعه، آشکارا مرحوم میرزای شیرازی را حاکم و ولی عصر غیبت شمرده، فقط اطاعت او را مشروع می داند و درباره شان وی می گوید: «چرا باید امام شرعی مت خدا، فایق بر جمیع امرای عرفی نباشد». (همان، نمره 29).

11. این استفتای مرحوم میرزای شیرازی را که در ولایت مطلقه فقیه تصریح دارد، مرحوم شیخ فضل الله نیز مورد استناد قرار داده است و متأسفانه نویسندگان کتاب **نظریه های دولت در فقه شیعه** با حذف بخشی از تعابیر مرحوم میرزای شیرازی که ما در عبارات پیشین آوردیم. چنین القا کرده است که سلاطین و عالمان هر يك جداگانه خود را از جانب ولی عصر (علیه السلام) منصوب می دانند؛ حال آن که مرحوم میرزا این نکته را آورده است که (فقط) علمای دینی خود را منصوب از جانب امام می دانند. وی با نقل ناقص تعابیر مرحوم میرزا از زبان شیخ فضل الله، دیدگاه ایشان را نیز تحریف کرده است (**نظریه های دولت در فقه شیعه**، ص 75 - 74). برای دیدن پاسخ استفتای میرزا و تمسك شیخ به آن، ر.ک: محمد ترکمان: **رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات...**، ص 382 و 383.

12. لاری، **سؤال و جواب، جنس خارجی**، مجموعه رسائل، ص 331 و 332. (روزنامه حیل المتین، دوشنبه نهم شوال 1316، نقل از مهدی انصاری: **شیخ فضل الله و مشروطیت**، ص 220 و 221).

13. لاری: **ولایت فقیه**، رسائل سید لاری، ج 3، ص 15 - 20.

[14](#). همان، ص 19.

[15](#). لاری: **هدایة الطالبین فی اصول الدین**، مجموعه رسائل، ص 134 و 135.

[16](#). همو: **قانون در اتحاد دولت و ملت**، ص 251. این رساله چند ماه پیش از استبداد صغیر، در محرم الحرام 1326 چاپ سنگی شده است.

[17](#). نجم، 39.40. انسان به پاداشی دست نمی یابد، جز همان پاداشی که در تحصیل آن تلاش کرده باشد و نتیجه تلاش او به زودی نمایانده می شود.

[18](#). عنکبوت، 69. و آنان که در راه ما می کوشند، بی شك آنان را به راه خود هدایت می کنیم.

[19](#). نحل، 128. به یقین خداوند جهان با پرهیزکاران است و با آن مردمی که نیک اندیش و نیک خواهند.

[20](#). لاری: **قانون مشروطه مشروعه**، مجموعه رسائل، ص 231. این رساله نخستین بار در سال 1325 قمری در مطبعه محمدی شیراز، چاپ سنگی شده است.

[21](#). همو: **قانون در اتحاد دولت و ملت**، ص 247، 248، 258، 259 و عنوان رساله «قانون مشروطه مشروعه».

[22](#). در سال 1314 قمری در شیراز چاپ شده؛ البتّه مرحوم لاری برای این رساله عنوانی قرار نداده است؛ هرچند در رساله **احکام اداره بلدیّه** (مجموعه رسائل، ص 318) از آن با عنوان **آیات الظالمین**، در رساله **سؤال و جواب** (همان، ص 343) از آن با عنوان **نصایح و فضایح** و در رساله **عقوبت حب دنیا** (همان، ص 465) با عنوان **الرساله الانذاریه** یاد می کند.

[23](#). رفیعی علامرودشتی، علی: **سیری در زندگینامه سیاسی سید لاری و هم‌زمان وی**، مجموعه مقالات، ص 196.

[24](#). ر.ک: لاری: **التعلیقه علی المکاسب**، ص 139 به بعد.

[25](#). محمدباقر وثوقی: **لارستان و جنبش مشروطیّت**، ص 108 و 109.

[26](#). محمد اعظم: **تاریخ جهانگیریه وبستک**، ص 313 و 314.

[27](#). لاری: **آیات الظالمین** (نصایح و فضایح)، ص 73.

[28](#). همو: **احکام قانون اداره بلدیّه**، مجموعه رسائل، ص 316.

[29](#). همو: **قانون مشروطه مشروعه**، ص 209.

[30](#). همان، ص 202 - 205.

[31](#). همان، ص 202.

[32](#). احوال سایر مردم از جهت صحت و اشتباه، غنا و بیچارگی، و ترقی و واماندگی، بر همین مقیاس است؛ پس به این مقیاس و شیوه، احوال مردم دیگر را مورد ملاحظه قرار ده؛ چه این بهترین مقیاس و اساس در فهم و دریافت است.

[33.](#) و جز آن هرچه هست، آتش، ننگ، ذلت، خواری، نیرنگ ساحران و ریشخند کافران است.

[34.](#) همان، ص 205 - 208.

[35.](#) ر.ك: ابوالفضل، شكوری: **مروری بر اندیشه سیاسی مجتهد لاری**، مجموعه مقالات، ص 165.

[36.](#) غلامحسین زرگری نژاد: **رسائل مشروطیت**، ص 365.

[37.](#) همان، ص 401.

[38.](#) زمان تألیف این رساله بر ما پنهان است؛ اما در سال 1325 در چاپخانه محمدی شیراز چاپ شده است. (**مجموعه رسائل**، ص 184)

[39.](#) لاری: **قانون در اتحاد دولت و ملت**، ص 249 و 250.

[40.](#) حجر، 46. با سلامت و ایمنی از هر درد و رنج به بهشت برین درآیید.

[41.](#) احزاب، 53. ای کسانی که ایمان آورده اید، به منازل پیامبر وارد نشوید تا آن که به شما اجازه داده شود.

[42.](#) مقصود، منازل اسلام و دین است، نه خانه های سنگی و خاکی؛ همان گونه که سیره مجاهدان در جهاد گاه به گاه با کافران، گرفتن اجازه ویژه بود و در این زمان ها نیز چنین است؛ هرچند امام غایب از دیده ها در همه مکان ها حاضر است و بر تمام امور و آثار نظارت دارد، جز آن که ظاهر روایات و اعتبار وظیفه، این است که عوام را در تمام حلال ها، حرام ها، اذن گرفتن ها و استعمال ها به نواب عام ارجاع داده اند؛ همان گونه که سیره روایان در اجازه دادن و اجازه گرفتن در نقل روایات بر آن است؛ چرا که هر تلاش کننده ای یابنده بود.

[43.](#) نجم، 39 و 40. انسان به پاداشی دست نمی یابد، جز همان پاداشی که در تحصیل آن کوشیده باشد و نتیجه تلاش او به زودی نمایانده می شود.

[44.](#) عنكبوت، 69. و آنان که در راه ما می کوشند، بی شك آنان را به راه خود هدایت می کنیم.

[45.](#) نحل، 128. به یقین، خداوند جهان با پرهیزکاران است و با آن مردمی که نیک اندیش و نیک خواهند.

[46.](#) بر مردم لازم است از فقیهانی که خودنگاه دار، حافظ دین خود، مخالف با هوای نفس خود و مطیع فرمان مولای خود هستند، تقلید کنند؛ فقط برخی از فقیهان شیعه چنین خصوصیتی دارند.

[47.](#) لاری: **قانون مشروطه مشروعه**، همان، ص 230 و 231.

[48.](#) همو: **قانون در اتحاد دولت و ملت**، ص 250 و 251.

[49.](#) همو: **قانون مشروطه مشروعه**، ص 198.

[50.](#) همان، ص 199.

[51.](#) همان.

[52](#). همو: قانون در اتحاد دولت و ملت، همان، ص 253 و 254.

[53](#). همان، ص 254.

[54](#). همان، ص 256 و 257.

[55](#). احمد کسروی: تاریخ مشروطه ایران، ص 370 و 373.

[56](#). لاری: قانون در اتحاد دولت و ملت، ص 253.

<http://www.qabas.org/farsi/mashrooteh/amoze3/07.htm>